گام طرفداران مریل استریپ برای اسکار

گروه ادب و هنر | حدس و گمان‌های برگزیدگان اسکار این روزها بازار داغی دارد و همه در تلاش هستند تا ببینند بالاخره اسکار را چه کسانی به خانه می‌برند. این است که آمارهای شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد فیلم‌های «تک‌تیرانداز آمریکایی» و «سلما» بیشترین استقبال و شانس را دارند. بردلی کوپر هم در میان بازیگران مرد نامزد این دوره از اسکار طرفدار بیشتری دارد و از آن طرف هم جولین مور بیشترین محبوبیت را میان کاربران اجتماعی برای بازیگری زن این دوره از آکادمی اسکار دارد. البته مریل‌استریپ هم بیشترین حدس و گمان‌های بازیگری مکمل زن را با خودش همراه کرده است. توییتر اعلام کرده استریپ در بیشتر بحث‌های اسکاری توییتر حضور داشته است.

برداشت دوم

به بهانه اجرای نمایش «به‌خاطر من» در تالار چهارسو

چهارسو و غیبت بزرگان

بهزاد عشقی
منتقد

نمایشنامه‌نویسی به پدیده‌ای دمدستی و آسان بدل شده است. همچنان که اجرا نیز زحمت چندانی ندارد و هر کس می‌تواند با یکی، دو هفته تمرین و با بازیگرانی مبتدی و نوآمده نمایشی را به صحنه ببرد. قبول ندارید می‌توانید نمایش به‌خاطر من نوشته و اجرای چیستا یثربی را در سالن چهارسو به یاد بیاورید. زنی رفته است زباله‌اش را دم در بگذارد و کلیدش را جا گذاشته است و نمی‌تواند به داخل خانه برود. در نمی‌زند، چون دخترش خواب است. از همسایه‌ها کمک نمی‌گیرد، چون می‌ترسد برایش حرف در بیاورند. تلفن همراهش خاموش است و تلفن ثابتش نیز قطع شده است. نویسنده گمان می‌کند که از این موقعیت طلایی می‌تواند نمایشنامه‌ای چندلایه و تاویل‌پذیر ارائه دهد. حال این زن با یک رفتگر وارد مکالمه می‌شود و مورد بازخواست قرار می‌گیرد. رفتگر می‌رود و در قالب پلیس بازمی‌گردد و با زن چون و چرا می‌کند. خب کافی است که بگوییم زن نویسنده است و توسط جامعه‌ای مردسالار مورد چالش قرار گرفته است. آن وقت مفسران می‌آیند و تفسیرهای زن‌گرایانه نابی به نفع نویسنده ارائه می‌دهند.

برای اجرا نیز لازم نیست چندان به خود زحمت بدهیم. همین که چند بازیگر به صحنه بیایند و متن را قرائت کنند و ما بتوانیم حرف‌شان را بفهمیم کافی است. چند کیسه زباله را نیز در صحنه می‌چینیم و نور به صحنه می‌تابانیم و همین برای دیداری شدن کار کفایت می‌کند. دیگر لازم نیست که بینگاریم که نمایشنامه در اجرا باید به رویدادی دیدنی و شنیدنی بدل شود. اینها مهم نیست و چنین اجراهایی را با چشم بسته نیز می‌توان دنبال کرد. خب مجلس بی‌ریاست و هر کس می‌تواند نمایشنامه بنویسد و به آسان‌ترین شکلی به صحنه ببرد. همچنان که در مجالس خانوادگی هر که ته‌صدایی دارد می‌تواند آواز بخواند، یا همه می‌توانند در صفحه فیسبوک خود داستان بنویسند و شعر بسرایند. خب ما وارد عصر جدیدی شده‌ایم و همه می‌توانند بی‌هیچ محدودیتی هنر بیافرینند و به دیگران عرضه کنند. البته اینها عرصه‌های شخصی است و می‌تواند چندان مهم نباشد. اما مشکل اینجاست که رسانه‌های عمومی و رسمیت یافته ما نیز دچار همین آفت شده‌اند. خب بهانه این است که ما وارد دوران پست‌مدرن شده‌ایم و پاره‌ای از هنرمندان و نمایشگران نابلدی خود را در زرورق این سبک می‌پیچند تا بگویند اعتنایی به قواعد مرسوم ندارند و از بی‌قاعدگی‌های این سبک رها تبعیت می‌کنند. اما واقعیت این است که پست‌مدرنیسم هرگز به معنای سهل‌انگاری و تن دادن به میان‌مایگی و ارائه آثار سطحی و ارزان نیست. در هر صورت من در سالن چهارسو به‌خاطر من را می‌بینم و به یاد می‌آورم که در همین سالن سواری در آمد نوشته مهین جهانبگلو با اجرای درخشان آربی آوانسیان را دیده بودم، یا در همین سالن بهرام بیضایی شاهکار یکه‌اش مرگ یزدگرد را به صحنه برده بود. به راستی آن بزرگان کجا رفته‌اند؟ و ما در تئاتر کنونی خود به کجا داریم می‌رویم؟

کارت دعوت

محمد رحمانیان و اجرای یک نمایش نه‌چندان قدیمی

یک بار دیگر «ترانه‌های قدیمی»

گروه ادب و هنر | اگر بخواهیم یک روش درست برای تئاتر و اجرای آن پیدا کنیم این است که تئاترها تا زمانی باید روی صحنه باشند که تماشاگر دارند اما در ایران و به دلیل خیلی از مشکلات که مهم‌ترین‌شان نبود و کمبود سالن است نمایش‌ها معمولا بعد ۴۰ شب از صحنه برچیده می‌شوند حتی نمایش‌هایی که بیننده دارند. انگار قرار نیست این مشکل حل شود. اما این روزها کارگردان‌هایی هم هستند که برای به صحنه بردن نمایش‌های‌شان اصرار دارند و از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا نمایش‌شان را به صحنه ببرند. یکی از این کارگردان‌ها محمد رحمانیان است که روی اجرای کارهایی که تولید کرده پافشاری می‌کند و دلش می‌خواهد نمایش‌هایش خوب دیده شوند. یکی از این نمایش‌ها هم «ترانه‌های قدیمی» است. نمایشی که وقتی رحمانیان بعد از سال‌ها توانست در ایران اجرا کند تماشاگر خوبی را به خودش جذب کرد. این نمایش که به صورت «دی‌وی‌دی» هم منتشر شده است یک‌بار دیگر می‌خواهد از ۱۰ اسفندماه در تالار شمس به صحنه برود. این نمایش پیش از این در شهریور سال ۹۲ در همین سالن اجرا شده بود.

کافه سینما

اصغر فرهادی و سینمای «هنر و تجربه»

خارج‌شدن از سالن با رضایت

گروه ادب و هنر | یکی از ویژگی‌های سینمای این روزها تاسیس گروه «هنر و تجربه» است. فیلم‌هایی که با این دو ویژگی هنری و تجربی ساخته می‌شوند در این سینما اکران می‌شوند. درست است که سینماهای این گروه محدود است اما تماشاگران خودش را دارد. این است که هرکس که می‌خواهد فیلم درست و درمان ببیند این سینماها را انتخاب می‌کند. «از ایران، یک جدایی» فیلمی است که درباره فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی ساخته شده و یکی از فیلم‌های این گروه سینمایی است. برای همین است که اصغر فرهادی درباره این مستند گفته: «من مستند «از ایران، یک جدایی» را دوست داشتم و از یک جایی این واقعیت را فراموش کردم که این مستند راجع به فیلم خود من است یا درباره اتفاقاتی است که برای خود من افتاده است و مثل یک بیننده با فیلم همراه شدم.» کارگردان اسکاری سینمای ایران درباره گروه سینمای هنر و تجربه هم گفته: «به نظرم این اتفاق، خیلی اتفاق نادری است و به نظرم در این مدت کوتاه، به خوبی توانسته است خودش را ثابت کرده و تماشاگر خودش را پیدا کند. فیلم‌هایی که اصلا به نظر می‌آید تماشاگر خیلی کمی داشته باشند در این گروه که می‌آیند استقبال از آن می‌شود.»

گزارش اول

کدام فیلم‌ها اکران نوروز را تجربه می‌کنند

رقابت میان فجر رفته‌ها و فجر نرفته‌ها

رضا عطاران در نمایی از فیلم «نهنگ عنبر»

گروه ادب و هنر | یکی از مهم‌ترین اکران‌های سینمای ایران اکران نوروزی است و خیلی‌ها دل‌شان می‌خواهد در این فصل از سال فیلم‌هایشان به نمایش درآید و پرده نقره‌ای را تجربه کنند. اما امسال کدام فیلم‌ها هستند که درخواست پروانه نمایش کرده‌اند و دل‌شان می‌خواهد در این فصل از سال اکران شوند؟ یکی از مهم‌ترین فیلم‌هایی که درخواست اکران در این فصل از سال را دارد «رخ دیوانه» است. فیلمی که توانست در اکران جشنواره فیلم فجر امسال موفقیت‌های زیادی به دست آورد و هم برگزیده تماشاگران باشد و هم جشنواره به این فیلم سیمرغ بدهد و هم کارگردانی را از آن خودش کند و صدا و جلوه‌های ویژه هم سیمرغ را به خانه ببرند. از آن طرف هم مسعود جعفری‌جوزانی است که می‌خواهد فیلم «ایران برگر» را برای اکران نوروز داشته باشد. فیلمی که در رقابت فجر امسال حضور داشت. با اینکه این فیلم در بخش‌های بازیگری مرد و فیلمبرداری در فجر نامزد دریافت جایزه شده بود، تنها توانست بهترین چهره‌پردازی را از آن خود کند. مصطفی کیایی هم می‌خواهد فیلمش را در این اکران بر پرده سینماها داشته باشد. فیلم «عصر یخبندان» توانست با استقبال خوب تماشاگران در جشنواره فیلم فجر همراه باشد و یکی از رقبای جدی «رخ دیوانه» در آرای مردمی بود. فیلمی که بهرام رادان، مهتاب کرامتی، آنا نعمتی، سحر دولتشاهی، محسن کیایی، مینا ساداتی، فرهاد اصلانی و ژاله صامتی در آن بازی می‌کنند. اما علیرضا رئیسیان که بعد از سال‌ها تصمیم گرفت فیلم بسازد و فیلم «دوران عاشقی» را به فجر آورد هم یکی دیگر از این کارگردان‌ها است. این فیلم هم توانست در جشنواره فیلم فجر در دو بخش فیلمبرداری و فیلمنامه سیمرغ را به خانه ببرد. از آن طرف هم سامان مقدم درخواست اکران نوروزی داده و می‌خواهد فیلم «نهنگ عنبر» را بر پرده ببیند. او که نتوانست در فجر حضور داشته باشد و فیلمش به فجر نرسید این‌بار می‌خواهد گردونه رقابت اکران نوروزی را از دست ندهد. فیلمی که رضا عطاران و مهناز افشار در آن بازی می‌کنند. مقدم که گفته بود نمی‌تواند فیلمش را با کیفیت مطلوب به جشنواره برساند و قرار بود آن را برای اکران عمومی آماده کند از شورای صنفی نمایش درخواست اکران نوروزی کرده است. باید منتظر بمانیم و ببینیم کدام‌یک از این فیلم‌ها خودشان را به اکران نوروز و پرده عریض نقره‌ای خواهند رساند.

فرهاد خاکیان‌دهکردی

گفت‌وگو با سارا سالار
نویسنده رمان «هست یا نیست؟»

داستان دوراهی‌ها و تناقضات

عکس: رضا عزیزی | فرهیختگان

سارا سالار با نخستین رمانش یعنی «احتمالا گم شده‌ام» مورد توجه اهالی ادبیات قرار گرفت و آخرین چاپ آن قبل از توقف در کار انتشارات نشر چشمه در چاپ سومش، تیراژ ۱۰ هزار نسخه‌ای را در یک نوبت چاپ تجربه کرد که در حوزه ادبیات داستانی اتفاق قابل تاملی به شمار می‌رفت. ترجمه این رمان به آلمانی و ایتالیایی بلافاصله با استقبال خوبی روبه‌رو شد و از آن به‌عنوان یکی از موفقیت‌های نشر ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت یاد کردند. ترجمه سارا خلیلی به انگلیسی از رمان برنده جایزه هوشنگ گلشیری در بخش رمان نخست نیز با موفقیت همراه بود. رمان دوم او یعنی «هست یا نیست؟» را نشر چرخ، تحت‌نظارت نشر چشمه منتشر کرد که در مدت زمان اندکی به چاپ سوم رسید. این کتاب روایت‌های خرد و کلانی است از زندگی یک زن در آستانه میانسالی.

مساله زمان از بارزترین ویژگی‌های فرم شما بود. روایت در زمان حال داستان خوب پیگیری می‌شود. منتها انتخاب‌هایی که از گذشته داشته‌اید، به نظرم طبیعی نیستند و خیلی انتخاب شده‌اند. این سوال هم پیش می‌آید که چقدر آن جزئیات، در گذشته‌نگاری‌ها پذیرفته است؛ مخصوصا صحنه‌هایی که در بیمارستان بود.

این داستان قرار بود با گذشته شروع شود و به حال برسد؛ یعنی یک روایت خطی. یکی دو فصل را که نوشتم این خود راوی بود که خواست بین گذشته‌ها در زمان حال حضور داشته باشد به چند دلیل. یکی اینکه جاهایی بود در گذشته که بلافاصله به نظر راوی در زمان حال احتیاج بود. برای مثال وقتی در گذشته صحبت از پدربزرگ راوی می‌شود در زمان حال راوی به خودش می‌گوید نه اینکه خودت آن زمان از پدربزرگت خجالت نمی‌کشیدی، اگر قرار بود این نظر بماند برای آخر داستان که به زمان حال می‌رسیدیم دیگر خاصیت خودش را از دست می‌داد. یکی دیگر اینکه راوی یکی در زمان گذشته و یکی در زمان حال تغییر را نشان می‌دهد؛ تغییری که آدم در طول زمان می‌کند. راوی امروز متفاوت است از راوی ۱۰ سال پیش، در حالی که هر دو یک نفر هستند. در مورد جزئیات گذشته اشکالی در آن نمی‌بینم وقتی زاویه دید سوم شخص است. سوم شخص می‌تواند با جزئیات ماجراها را تعریف کند؛ چه در گذشته، چه در حال، چه در آینده. اینکه زاویه‌دید در زمان حال اول شخص است به این دلیل است که راوی حالا به خودش نزدیک‌تر است و می‌تواند بگوید من در حالی که در گذشته این‌طور نبوده.

از ویژگی‌های ساختار رمان‌تان تغییر نظرگاه است. وقتی نظرگاه سوم شخص محدود به ذهن، روایت می‌شود، به قولی اول شخص هم در خود دارد. در این تغییر نظرگاه چیزی به کیفیت روایت‌ها اضافه نمی‌شود؛ یک ناهمگونی به روایت می‌دهد، کما اینکه در انتهای رمان هم رها می‌شود. به نظرتان این امر توجیهی دارد؟

همان‌طور که گفتم وقتی گذشته دارد با سوم شخص تعریف می‌شود؛ یعنی راوی اوست، یعنی کمی با من فاصله دارد اما از من جدا نیست. معلوم است که در سوم‌شخص یک‌جور من مستتر است اما به هر حال با اول شخص فرق دارد و در این داستان این فرق معلوم می‌شود. به هر حال نمی‌دانم آن چیزی که می‌خواستم انجام بدهم درست از کار درآمده ولی می‌خواستم راوی در زمان گذشته کمی از خودش فاصله داشته باشد و در زمان حال کمی به خودش نزدیک‌تر باشد. در انتهای رمان زمان گذشته تمام می‌شود و ما کاملا به زمان حال می‌رسیم برای همین باید گذشته رها شود دیگر.

> رمان یعنی داستان شک‌ها و تردیدها، یعنی داستان سوال‌ها، یعنی داستان دوراهی‌ها، یعنی داستان تناقضات. در رمان ما به دنبال هویت می‌گردیم. کی هستیم؟ چرا هستیم؟ و به کجا خواهیم رفت؟ خب معلوم است که با پدیده‌ها دو گانه برخورد می‌کنیم

دیالوگ‌ها در رمان شما نوعیت خاصی دارند و البته جذابند، منتها نفس دیالوگ و کنش‌مندی آن، گاه در این ریتم مغفول می‌ماند و نمی‌توان از اجرای دیالوگ‌ها پی به شخصیت پرسوناژها برد، نظر خودتان چیست؟

فقط می‌توانم بگویم امیدوار بودم هم دیالوگ‌ها جذاب باشند و هم به شخصیت‌پردازی کمک کنند. شما می‌گویید این‌طور نبوده؛ باید از خواننده‌های دیگر پرسید که این‌طور بوده یا نبوده.

شخصیت مهمی در رمان‌تان هست که اول او را دکتر شمس می‌خوانید، بعد امیر. در ادامه یک غافلگیری پیش می‌آید که اتفاقا کلیدی هم هست. کیفیت این غافلگیری پذیرفتنی نیست. حضور نویسنده در رمان حس می‌شود و اینکه از عمد خواسته اطلاعاتی را در مشتش نگه‌دارد و بعد رو کند. نظر خودتان چیست؟

اول اینکه برای من اتفاق در این داستان مهم بوده. اتفاق‌هایی که در زندگی همه ما می‌افتد و به نظر می‌آید اتفاق هستند اما همان‌طور که امیر شمس در جایی از داستان می‌گوید تمام این چیزها آگاهانه چیده شده تا این دو آدم در این زمان و در این مکان همدیگر را ببینند. دوم اینکه امیر شمس در گذشته دکتر امیر شمس است و در حال امیر است و این نشان می‌دهد آنها الان صمیمی‌تر هستند. سوم اینکه شما سوال‌هایی را از من می‌پرسید که نمی‌توانم جواب بدهم. این خواننده‌ها هستند که باید جواب بدهند. من فقط می‌توانم بگویم دلم نمی‌خواسته این‌طور باشد که حضور نویسنده در داستان احساس شود. شما می‌گوید این‌طور است. من می‌گویم باید از بقیه خواننده‌ها پرسید.

از برخورد راوی با پدیده‌ها صحبت کنیم که دو رو دارد. بخش‌هایی مثل مراقبت از پسرش و نگرانی‌هایش به غایت معمولی هستند و همان مدلول‌های آشنا را از مادر نگران به یاد می‌آورند، ولی در جاهایی مثل صحنه‌های باشگاه، راوی به سمت یک جهان‌بینی شخصی حرکت می‌کند. با این دوگانگی در برخورد با پدیده‌ها موافقید؟

دقیقا منظورتان را از این سوال نفهمیدم اما اصولا رمان یعنی داستان شک‌ها و تردیدها، یعنی داستان سوال‌ها، یعنی داستان دوراهی‌ها، یعنی داستان تناقضات. در رمان ما به دنبال هویت می‌گردیم. کی هستیم؟ چرا هستیم؟ و به کجا خواهیم رفت؟ خب معلوم است که با پدیده‌ها دو گانه برخورد می‌کنیم. از یک طرف ما می‌خواهیم چیزی باشیم که جامعه از ما می‌خواهد. یک دختر خوب، یک زن خوب، یک مادر خوب و... . رمان آن زمان شکل می‌گیرد که راوی دیگر نمی‌خواهد آن چیزی باشد که جامعه از او می‌خواهد. می‌خواهد آن چیزی باشد که خودش می‌خواهد و این قطعا دوگانگی به وجود می‌آورد. من خودم خیلی خوشحال خواهم شد اگر این دوگانگی در کارم درآمده باشد.

اتصال مرگ و خیانت به بدنه روایت

سارا سالار | به نظرم رمان جای زیادی دارد برای دغدغه‌هایی که ما داریم و مگر این دغدغه‌ها می‌توانند کاملا از هم جدا باشند. زندگی و مرگ و عشق و خیانت و ایمان و بی‌ایمانی و خیلی چیزهای دیگر یک شبکه را تشکیل می‌دهند. ما درون این شبکه هستیم. مثلا می‌خواهیم از پوچی و مرگ فرار کنیم دست به خیانت می‌زنیم که سرمان گرم شود. یا خیلی مثال‌های دیگر. زندگی این‌طور نیست که مفاهیمش از هم جدا باشد، بلکه این مفاهیم کاملا به هم وابسته هستند. در داستان کوتاه نمی‌شود روی این مفاهیم خیلی مانور داد. باید یک برش صحیح و کوتاه را انتخاب کرد که تاثیری واحد را به وجود بیاورد اما در رمان می‌توان روی این مفاهیم مانور داد. می‌توان چندین صدا داشت. شاید یک مفهوم برجسته‌تر از مفاهیم دیگر باشد اما جدا از آنها نیست.

کافه تئاتر

فصل‌نامه ناکوک

کارگردان: پوریا پیروزرام
مکان: سالن انتظامی
زمان: ساعت ۱۸

گروه ادب و هنر | برای دیدن این نمایش زیاد وقت ندارید. نمایشی که با تکیه بر موسیقی و بازی هماهنگ بازیگرانش توانسته روی صحنه موفق عمل کند. «فصلنامه ناکوک» به کارگردانی پوریا پیروزرام تا چهارم اسفند در تماشاخانه استاد انتظامی در خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این اثر را می‌توان تلفیق موسیقی با تصویر دانست و کارگردان نمایش هم درباره گروه و اجرایی که این روزها بر صحنه دارد، گفته: «افراد جوان و علاقه‌مندی که در گروه هستند، ریسک‌پذیری بالایی نسبت به دیگران دارند و انرژی و انگیزه‌ای که به کل گروه می‌دهند، قابل تقدیر است.»

چهره‌ها

تلویزیون

نگار عابدی

گروه ادب و هنر | نگار عابدی در جشنواره تئاتر فجر در نمایش «باغ آلبالو» به کارگردانی آتیلا پسیانی بازی می‌کرد و بازی خوبی هم از خودش نشان داد. او این روزها جلوی دوربین سریال «گاهی به پشت‌سر نگاه کن» به کارگردانی مازیار میری رفته و قرار است او هم جزء بازیگران این سریال باشد. امین تارخ و محمد متوسلانی نقش‌های اصلی این سریال را بازی می‌کنند و قرار است این سریال از شبکه دو پخش شود. عابدی در کنار بازیگرانی چون هدایت هاشمی و الیکا عبدالرزاقی بازی خواهد کرد.

سینما

علی احمدزاده

گروه ادب و هنر | فیلمی که برای جشنواره فجر انتخاب نشد اما این روزها قرار است به جشنواره «هنگ‌کنگ» برود. فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» به کارگردانی علی احمدزاده که چهار بازیگر اصلی آن عبارتند از ترانه علیدوستی، پگاه آهنگرانی، مهرداد صدیقیان و محمدرضا گلزار راهی سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «هنگ‌کنگ» می‌شود تا در آنجا اکران شود.

تجسمی

محمود کلاری

گروه ادب و هنر | نمایشگاه عکس پنجاه‌ودومین جشنواره منطقه‌ای انجمن سینمای جوان «اروند» با حضور عکاسان جوان و نمایش آثار محمود کلاری با موضوع انقلاب در موزه هنرهای معاصر آبادان افتتاح شد. عکس‌هایی که برای مخاطبان جوان آثار کلاری جذابیت بسیاری دارد. این جشنواره نشست‌های تخصصی نیز برگزار می‌کند.